

نقد و بررسی کارکردگرایی

با نگاهی به علم النفس ملاصدرا

رضا صفری گندسری*

دانش آموخته دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

رابطه نفس و بدن یکی از مسائل و معضلات فلسفه است. نظریه دوگانه-انگاری جوهری (دکارتی و افلاطونی) یکی از راه‌حلهای این معضل است. آنها معتقدند نفس و بدن دو جوهر و قلمرو متفاوت هستند و دارای ویژگیهای خاص خود. فلاسفه ذهن معاصر برای برون‌رفت از مشکلات دوگانه‌انگاری جوهری، دیدگاه‌هایی اتخاذ کرده‌اند. نظریه‌های رفتارگرایی و اینهمانی ذهن و بدن، نفس بعنوان جوهر را انکار کرده و بجای لفظ «نفس»، ذهن و حالات ذهنی را بکار میگیرند و بترتیب معتقدند: حالات ذهنی همان حالات رفتاری و مغزیند. اما حامیان کارکردگرایی با عنایت به مشکلات دوگانه‌انگاری و دیدگاه‌های رفتارگرایی و اینهمانی ذهن و مغز، تفسیری بیطرفانه از ذهن (مجرد یا فیزیکی بودن ذهن) دارند و حالات ذهنی را همان حالات کارکردی میدانند که بر اساس درونداد، برون‌داد و سایر حالات ذهنی، نقشهای کارکردی خاصی را ایفا میکنند. حکما و متکلمان اسلامی نیز با معضل نفس و بدن و دوگانه‌انگاری جوهری (افلاطونی) مواجه بوده‌اند. ابن‌سینا و سهروردی تقدم نفس بر بدن (نظریه افلاطون) را انکار نموده اما ذات نفس را مجرد و بدن را جسمانی میدانند. بیشتر متکلمان، نفس بعنوان جوهر مجرد و

قائم بذات را رد نموده و نفس را جسم لطیف میدانند. ملاصدرا همانند کارکردگرایان، به مشکلات جوهر مجرد دانستن یا جسمانی بودن نفس واقف بوده و معتقد است: ذات نفس، مجرد صرف و مادی صرف نیست بلکه نفس در ابتدا جسمانی است و سپس با حرکت جوهری، مجرد میگردد؛ نفس بر اساس وحدت حقه ظلیه، جامع و برزخ جسمانیت و مجرد است و بر اساس حالات مراتبش، مادی و مجرد میگردد.

هرچند هم کارکردگرایان و هم ملاصدرا، مجرد و جسمانی بودن محض ذهن (نفس از نگاه ملاصدرا) را انکار نموده‌اند اما ملاصدرا از آنجایی که هستی را منحصر به طبیعت ندانسته، دقیقتر از کارکردگرایان – که نگاه فیزیکالیستی به ذهن دارند- رابطه نفس و بدن را تبیین کرده است.

کلیدواژگان

رابطه نفس (ذهن) و بدن	تجرد نفس
جسمانیت نفس	کارکردگرایی
وحدت نفس و بدن	ملاصدرا

*.Email: rezasafari1984@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۷/۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۱۹